

جایگاه تاریخی زن در فرآیند تکامل

اجتماعی و مشروعیت سیاسی!



تحمیل چادری، حجاب اسلامی یا وهن به اسلام؟

یادداشت نویسنده: این چند سطری را که مطالعه می فرمائید بصورت عاجل در وبیناری که در برنامه انترنیتی Zoom از سوی گرداننده گان و همکاران ارجمند رادیو کتاب بویژه متصدی فرهیخته آن جناب **نوید محسنی** از بزرگان فرهنگی کشور دعوت شده و قرنت نموده بودم که بدون شک باتوجه به محدودیت زمانی آن برنامه ونگاهی به مسأله جایگاه تاریخی زن در حیات تکاملی انسان که یک موضوع بسیار مهم و تحقیقی میباشد نتوانیستم بدان طوریکه لازم است بپردازم. البته در این یادداشت به بیان برخی از رؤس پژوهشی این مسأله بصورت مختصر پرداخته شده که امید است مورد پسند شما واقع گردد



هرچند در چنین شرائط داغ کشور ما افغانستان قرار نبود و نیست که بدون ارانیه وجستجوی راه حل های معقول و مسالمت آمیز برای پاسخ به نیازهای عمومی انسان معاصر به مسائل دیگری پرداخته شود. اما چون جایگاه زن در تمدن اسلامی از همان آغاز بارنگ قلم تاریخ مذکر حک و تفسیر شده و اکنون در صدر معضلات قرار گرفته است ناگزیریم به صورت مختصر به آن بپردازیم زیرا به وضاحت می بینیم که چهره تاریخی زن که با ظهور منجی بشریت حضرت محمد پیامبر بزرگوار اسلام برای مدت قلیلی در جغرفیای جزیره العرب از آلوده گی های جهالت حاکم بر تاریخ انسان در آن کویر خشک و سرتاسر جهان پاک گشته بود ازین رو حاد ترین سوالی که برای " زن آگاه " در عصر ما مطرح است این است که جایگاه وی در تعیین سرنوشت انسان منجمله زن چی و کدام است؟ سوال دومی که

با ملاحظه به چگونگی آفرینش وی و رسالت تاریخی که به عنوان زن مسلمان بروی گذشته شده و وابسته به یک تاریخ ، فرهنگ و مذهب جامعه است و می خواهد خود ش باشد و در مهمترین تصامیم متعلق به سرنوشت انسان که وی نیز از همین جنس محسوب میشود با قوه خداداد خرد و عقلانیت سهم بگیرد . ما امروز در جهان امروزی بخصوص در افغانستان با واقعیت تلخ و درد ناکی روبرویم و آن ایجاد یک تضاد ریشه ای است که از همان آغاز خلقت انسان و حضور اش در هستی و کائنات آغاز می گردد در جامعه و فرهنگ اسلامی ما سه چهره از زن داریم، یکی زن سنتی ، یکی چهره زن متجدد و اروپایی که تازه و پس ورود نظام مافیائی و قبل از حاکمیت رژیم طالبانی ضد زن شروع به رشد و تکثیر کرده است. سیمایی که از زن سنتی در ذهن افراد وفادار به مذهب در جامعه ما تصویر شده است با سیمای زن متعهد با ارزشهای خردمندانه دینی همان قدر دور و بیگانه است که چهره زن مدرن ، که می بینیم این زن متعهد به ارزشها زنی است که می خواهد انتخاب کند، زنی است که نه چهره موروثی را می پذیرد و نه چهره تحمیلی صادراتی را و در عین حال پست ترین و پلیدترین دشمنان انسانیت را هردو را آگاه است و هردو را هم می داند.



آنکه به نام سنت تحمیل می شد و در جریان آن به وراثت می رسید، مربوط به اسلام نیست. مربوط به سنتهای دوره تاریخ مذکر و حتی دوره برده داری بوده است . و آنچه امروز از غرب می آید، نه علم است، نه حقوق بشر است و نه هم با مفهوم واقعی آزادی انطباق دارد ، نه انسانیت است و نه مبتنی بر حرمت به وفارزن است. زن، به عنوان نیمی از بشریت و عضوی جدی و غیرقابل چشم پوشی در کانون بزرگ جامعه انسانی و نیز به عنوان یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ، دآوری های گوناگونی را نسبت به خود دیده است و شرایط بسیار ناهمگون و نامساعدی را پشت سر نهاده است. نگاهی گذرا به تاریخ چنین می نماید که زن در بیشتر مقاطع و در بیشتر جوامع از نوعی محرومیت رنج برده است و حقوق انسانی او تحت سلطه و سیطره مردان و فرهنگ مردسالار تضييع شده است. این برداشت اگر همه جانبه و دقیق نباشد، اما با آنچه رخ داده است یکسره ناسازگار نیست. چنان که مانند این تضييع حقوق را در مورد کودکان و نیز طبقات ضعیف اجتماعی نیز می توان مشاهده کرد. و چه بسا بتوان ادعا کرد، ستمی که بر صالحان و مصلحان و پیامبران و دادخواهان حقوق انسان در تاریخ بشر رفته است، بیشترین و طاقت فرساترین بوده است، اما نمی توان از نظر دور داشت که هرکدام از این ستمدیدی ها دلایل خاص خود را داشته است. اگر بخواهیم عوامل تأثیرگذار بر حقوق زنان در جوامع بشری را به اجمال مورد توجه قرار دهیم، بخشی از آنها در زمره عوامل طبیعی و برخی در قلمرو شرایط اجتماعی و کارکردی جای می گیرد و بعضی به باورها و انگاره های فرهنگی باز می گردد. تحقیق درباره این عوامل و سهم هر یک در شکل گیری حقوق انسانی و اجتماعی زنان، خود نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. اما آنچه که با روشنی میتواند دید و نباید از آن چشم پوشید طفره رفتن و یا هم وارونه جلوه دادن جایگاه مسؤلانه زن در خلقت و تاریخ بشر است زیرا پس از رحلت پیامبر اسلام بویژه بعد از خلفای راشدین نه تنها به دست آورد های که در نتیجه تلاش هایی پیامبر اعظم اسلام و یارانش در حوزه حیات زن حاصل نموده و مایه افتخار بود مهلکترین ضربه های زده شد بلکه با طرح استدلالهای غیر عقلانی مانند اینکه زن

از قبرغه چپ نخستین انسان یعنی آدم آفریده شده است بر همه مبارزات پیامبر اکرم و یاران با وفایش خط بطلان کشیده شد اینجاست می بینیم که این تیوری مملو از خرافات درباره خلقت زن به اکثریتی از مراکز تعلیمی معاصر انتقال داده شد

اکنون چه باید کرد و راه حل کدام است؟

چنانچه فوقاً بدان اشاره نمودیم موضوع اصلی بحث ما با توجه به وضعیت امروزی زن در حاکمیت طالبان که بیش از هر زمان دیگری به موضوع حجاب اجباری به عنوان گفتمان نهادی بنام وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر مبدل شده است ناگزیر اشارتاً بدان پردازیم. برای من بسیار عجیب بود در حاکمیت دینی طالبان که یکبارہ از سوی مقام رهبری و امارت طالبان از نام شریعت در جهت سرکوب زن به مسأله حجاب آنهم با تعمیل خشونت آمیز، فرمان داده شده است. هرچند مسأله حجاب که در برنده زن و مرد یک خانواده و جامعه است یک موضوع بسیار مهمی در حیات اجتماعی و سیاسی میباشد اما مهمتر از آن موضوع مشروعیت است که باید پس از مشوره با آحادی از مردم اعم از زن و مرد برویت فرایندی موسوم به اجتهاد پویا و دینامیک دینی متناسب با شرائط عمومی جوامع انسانی و در هر قلمرو تاریخی و جغرافیایوی تحقق یابند. وقتی قرآن کتاب الهی در تمامی مراحل زمانی و مکانی مرد و زن را یکسان خطاب می نمایند و همین مخاطب ساختن انسان از سوی پروردگار بر انجام مسؤلیت های اجتماعی و سیاسی به گونه برابر بر مردان و زنان دلالت کند لهذا نباید در مؤلفه مشروعیت از حضور عینی هر یکی از این دو واحد بشری یعنی مرد و زن چشم پوشید و انکار نمود..... **وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ**. سوال اینجاست که وقتی از نام رهبری امارت اسلامی برای هدایت و رهبری یک جامعه و امت فرامین و هدایاتی صادر میگردد قبل از صدور چنین فرامین و دستورالعملها باید دید که میزان مشروعیت آن چیست؟ و آیا در این تصمیم گیری ها بر علاوه حضور فعال مردان، زنان نخبه و دانشمند جامعه نیز اشتراک دارند یا خیر؟ از نظر دانشمندان و اسلام شناسان مسأله حضور مردان و زنان در روند مشروعیت چنان حائز اهمیت است که با حاکمیت تک محور و تصمیم گیری های فردی از بسیاری پدیده های که حق اند و مناسب حال جامعه عملاً باطل میگردد. این در حالی است که صدور فرمان حجاب اجباری از سوی طالبان که نه تنها از لحاظ ماهیت و مفهوم حجاب همچنان چگونگی اجرای آن با روح حقیقی این پدیده فاصله زیادی دارد اصولاً با آنچه که به عنوان یک اصل دینی از سوی شهروندان باید رعایت گردد به دلیل عدم حضور زنان در این تصمیم گیری و نگاه مردانه به این مسأله اصولاً باطل میباشد از تک تکی تان سپاسگذارم